

## اهمیت و نقش قوه چهارم

در دنیای امروز، مطبوعات و رسانه های عمومی، در پهلوی سه قوای دیگر، یعنی قوای اجرائیه، مقننه و قضائیه؛ جایگاه قوای چهارم را دارد. اهمیت و نقش این قوه نه تنها ازین جهت است که مانند یک ناظر می تواند بر اعمال سه قوای دیگر نظارت و دیده بانی غیرمستقیم داشته باشد؛ بلکه در شکل دادن ذهنیت عامه نیز نقش اساسی، مهم و حتی تعیین کننده دارد.

همین نقش اساسی و تأثیر گذار آن است که دولت ها و سازمان های مختلف سالانه ملیون ها دلار را صرف آن می کنند تا به تبلیغ و شکل دادن ذهنیت عامه، در راستای تأمین منافع خویش بپردازند. با اندک نگاه بر تجاری که در این عرصه در دست است، درخواستیم یافت که، در حقیقت، این رسانه ها هستند که بر اذهان و افکار مردم حکومت می کنند تا جایی که حتی می شود از امپراطوری رسانه ها نام برد.

بر اساس پیشدرآمد بالا، توجه نماییم که در کشور ما چه رویکردی در این باره وجود داشته است. نتایج تبلیغات و محتوی قوای چهارم که زیر نظارت دولت قرار داشته، همواره برخلاف ضرورت اوضاع و نیازها بوده است. به عبارتی دیگر، دولت رئیس جمهور کرزی به عوض اینکه سعی نماید که زیان های تروریسم را در عرصه مطبوعات بر ملا کند، و ذهن مردم را روشن کند، کوشش نادرست و پیر از اشتباه معصوم و برادر و دوست نشان دادن تروریسم را هدف قرار داد.

سوال پیدا می شود که اگر ملیون ها دلاری که تاحال برای گروه های مسلح و تروریست به مصرف رسیده اند، که پیامد و دستاورد مثبتی هم نداشته اند، صرف تبلیغات علیه گروه های مسلح و تروریست، در رسانه های عمومی می شد، نتایج مثبتی در پی نمی داشت؟

مسئله "خوراک تبلیغاتی این کاررانیزگروه های مسلح تروریست، بادهشت افگنی و توسل به تروریسم و برهم زدن نظم عامه، مهیا ساخته و می سازند. دولت کرزی نه تنها ازین جهت کوتاه آمده است بلکه هنوز هم از محکوم کردن مستقیم آن ها خودداری می کند. با کرنش هدفمندانه در برابر تروریست ها و "برادران ناراض" خطاب کردن آن ها به جنایات روزمره آنها سرپوش می گذارد. با ماست مالی کردن جنایات شان بیشتر به بزرگ نمایی آن ها پرداخته و برای آن ها چنان جایگاهی را در ذهنیت ها خلق کرده است، که مستحق آن نیستند.

باید تصریح نمود که چنین سیاست های نادرست آب به آسیاب دهشت افگان و تروریست های منتظر گرفتن قدرت می ریزد و سبب می شود تا هر روز تعداد بیشتری شکار آن ها گردند. در حالی که این گروه های مسلح تروریست باید چنان نشان داده شوند که مستحق آن اند، و این خود مشروعیت

مبارزه علیه آن ها را توجیه می کند. به ویژه که کشور ما معروض خطر روبه گسترش سازمان اطلاعات پاکستان و استخبارات سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران است .

و این نکته یی است مانند روز روشن.

با توجه به آن چه گفته آمدیم آیا وقت آن فرا نرسیده است تا با استفاده اعظمی ازین قوای چهارم روی آورد و جنایات ، توسل به خشونت ، اعمال تروریستی و صدها جنایت دیگر گروه های مسلح و تروریست را برملا ساخت ، به روشن گری پرداخت و مردم را در جریان واقعیت ها قرارداد ؟

آیا وقت آن فرانسیده است که دیگر از دامن زدن به توهم در مورد طالبان، در میان مردم دست کشید ؟

شکی نیست که مردم عمیقاً خواهان صلح اند و این نیازمندی مبرم آنهاست که همه گروه های مسلح باید سلاح خود را به زمین بگذارند ، اما آیا تلاش برای مذاکره با کسانی که به خشونت اعتقاد دارند و بقای خود را در ادامه جنگ می دانند و حاضر هم نیستند از آن دست بردارند ، کرنش در برابر آنان و صرف ملیون ها دلار به این منظور نا معقول و بیمورد نبوده است ؟

دولت کرزی مرزروشنی در برابر دشمنان خاک و وطن نداشته و خطر اصلی برای صلح را تشخیص نمی دهد .

آیا ضروری نیست تا یک همه پرسی از مردم به عمل آید تا معلوم گردد که چند فیصد مردم طرفدار سیاست جاری و غلط با این گروه های مسلح تروریست استند ؟

این ها پرسش هایی اند که ذهن هر هموطن ما را به خود مشغول نموده است .

رئیس جمهور با خطاب قرار دادن طالبان به حیث برادر، در واکنش به حملات آن ها انگشت ملامت را به سوی نیروهای استخباراتی ، داخلی و خارجی ، نشانه می رود . شاید هم تا حدی بتوان با این گپ موافق بود . اما این ها تلاش هایی اند که دلایل اصلی در عقب آن پنهان می گردند. دلیل اصلی را باید در ضعف حاکمیت و سیاست ها و موضع ناروشن در برابر طالبان و عدم تشخیص خطر اصلی و دوست و دشمن دانست . دعوت به مصالحه، بدون مبارزه علیه دهشت افگنی های تروریستی، از موضع ضعف و بزرگ نمایی گروه های مسلح و مخالف ، مردم و نیروهای امنیتی را از نظر روحی خلع سلاح کردن است.

افغانستان با ثبات برخلاف ادعای کشورهای همسایه، به نفع آنها نیست . بنابراین این کشورها همواره در ایجاد ناامنی و دهشت گردی و تقویت نیروهایی که به تروریسم عقیده دارند، تلاش خواهند کرد.

آنچه که سوال برانگیز است نيات پنهانی حکومت و شخص رييس جمهور است که در مدت يازده سال نتوانسته ، و يا نخواستہ است، برضد وضع تهديد آميز و پرمخاطره اقدامات قاطع اتخاذ نمايند.

اما ادامه وضع به شکل فعلی آن نمی تواند قابل دوام باشد. وضع موجود تغيير خواهد کرد و به هم خواهد خورد. اين که چه کسی ازین شرايط بهره برداری خواهد کرد معلوم است ، ايران و پاکستان.

بسیار تأسف بار است که حکومت آقای رييس جمهور نتوانسته است از شرايط و امکانات بسیار مساعد به سود مردم و کشور استفاده نمايد.

آنانی که در برابر سرنوشت مردم بی تفاوت بوده و آن را به بازی گرفته اند ، زمانی مورد بازخواست تاريخ قرار خواهند گرفت.